

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۵

بررسی جایگاه علم و هنر در دربار امیر تیمور گورکانی

سکینه دنیاری (نویسنده مسئول)^۱

هادی دل آشوب^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۸

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۹

چکیده

در فاصله مرگ ابوسعید ایلخانی (در سیزدهم ربیع الاول ۷۳۶ ه. ق. / سی نوامبر ۱۳۳۵) تا ظهور تیمور (۷۸۱ ه. ق.) اوضاع ایران آشفته و قدرت ها و سلسله های کوچک و بزرگ و امرای محلی در شهرهای مختلف به قدرت رسیدند، با استفاده از همین اوضاع آشفته تیمور توانست قدرت را به دست بگیرد و طی لشکرکشی های بعدی بنیان حکومت تیموریان را در ایران بنا نهد. با توجه به اینکه بیشتر اوقات تیمور صرف لشکرکشی به سرزمین های مختلف میشد، اما وی دوست دار علما و دانشمندان بود و نتیجه ی آن اجتماع بسیاری از دانشمندان در دربار او و تبدیل شدن سمرقند به مرکزی علمی و مذهبی مشرق زمین بود. این پژوهش با استفاده از روش اسنادی-کتابخانه ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی قدرت یابی حکومت تیمور پرداخته و جایگاه هنرمندان و دانشمندان را در دربار مورد بررسی قرار می دهد. نتایج بررسی ها نشان می دهد که علی رغم این جنگ ها و یورش های تیمور که از او در تاریخ مانده وی به هنرمندان و دانشمندان علاقه مند و بسیاری از آنان را به دلیل مهارت آنان به سمرقند کوچ داد و در دربار او از ارج و قرب زیادی برخوردار بودند.

واژگان کلیدی: تیمور، سمرقند، هنر، الوس جغتای.

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه شهید چمران اهواز sakinedonyari@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی تهران hadidlashob@gmail.com

مقدمه

تیمور در سال ۷۳۶ هجری در شهری به نام کش به دنیا آمد، در زمان تولد او، سلطان ابوسعید آخرین ایلخان قدرتمند مغول از جهان رفت و مرگ او نشانه آشکار پایان عصر ایلخانان بود. وقتی تیمور به دنیا آمد در قسمت غربی اردوی جغتائیان فردی به نام قزان سلطان حکومت می‌کرد. یکی از امیران به نام امیر قرغن شورش کرد و حکومت را به دست گرفت. آشفتگی، ضعف و از هم‌پاشیدگی سیاسی سرزمین‌های اسلامی، نبودن حکومتی مقتدر و متمرکز، رشد حکومت‌های محلی ضعیف و بی‌دوام، در چنین زمانه ای می‌شد تصور کرد که اگر کسی اراده آهنین داشته باشد و در او کاردانی هوش و لیاقتی هم پیدا شود می‌تواند به سرعت پیشرفت کند. پدر تیمور امیر ترغای مرد ثروتمندی نبود ولی در میان ایل برلاس، احترام زیادی داشت؛ تیمور دوران کودکی و به احتمال زیاد دوران جوانی خود را در شهر کش گذراند. او مثل بقیه جوانان قبیله‌اش در جوانی مهارت‌هایی را آموخت که برای جنگیدن لازم است، یعنی سوارکاری و تیراندازی را فرا گرفت. گذشته از زبان مادری‌اش، زبان ترکی و فارسی هم فرا گرفت، هر چند خواندن و نوشتن به زبان فارسی را نمی‌دانست. به هر حال برای آنکه کار تیمور بالا بگیرد و نامش بر سر زبان‌ها بیفتد اول باید ثروتی به دست می‌آورد و مهمتر از آن، کسانی را پیدا می‌کرد که از او فرمان ببرند و در خدمتش باشند؛ او در این کار موفق بود. حتی در نخستین سالهای جوانی، تیمور در میان جوانهای قبیله‌اش به شهرت رسید و بعضی از آنها با او پیمان وفاداری بستند و او را به عنوان رهبر خود پذیرفتند. به تدریج تیمور به جایی رسید که نامش در دسته‌بندیهای منطقه‌ای و کشاکش‌های محلی به میان آمد و این اوج ترقی به حدی رسید که تیمور جهانگشای جهانی نام گرفت. بررسی و شناخت شخصیت تیمور نقش بسیار مهم در شناخت اهداف و اقدامات او دارد. این پژوهش با استفاده از روش اسنادی-کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی قدرت‌یابی حکومت تیمور پرداخته و جایگاه هنرمندان و صنعتگران و دانشمندان را در دربار مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم این جنگ‌های تیمور که از او در تاریخ مانده‌وی به هنرمندان و صنعتگران و دانشمندان علاقه مند و بسیاری از آنان را به دلیل مهارت آنان به سمرقند کوچ داد.

بررسی اوضاع الوس جغتای مقارن ظهور تیمور

در فاصله مرگ ابوسعید بهادر ایلخانی تا ظهور تیمور کشور ایران دچار تحولات فراوان بود. امرای محلی که در سراسر ایران پراکنده بودند مثل آل جلایر در آذربایجان و عراق عرب و آل مبارز در فارس و اصفهان و

کرمان، آل کرت و سربداران در خراسان به طمع جاه طلبی و حرص فراوان در جمع مال و توسعه قلمرو حکومتی دائما با یکدیگر در مبارزه بودند و حتی افراد هر سلسله به قصد جان یکدیگر قیام می کردند.^۱ برای بررسی زندگی تیمور شناخت اوضاع الوس جغتای اهمیت عمده دارد. تیمور از دل همین الوس به قدرت رسید. ساختار و رویه های سیاسی همین الوس عصر تیمور را از پیش از بدست گرفتن رهبری قبیله ای تا آخرین لشکرکشی او به چین شکل داد. ابتدا به شرحی از مسائل ماوراء النهر می پردازیم، در تقسیم بندی نهایی سرزمین های فتح شده توسط چنگیز خان و جانشینان او ماورالنهر با همه وسعت خود تا مرزهای خراسان نصیب فرزندان جغتای دومین فرزند چنگیز شد که از آن به عنوان الوس جغتای یاد میشود. الوس تقریباً به معنای کشور با تاکید بر نوعی سامان اتحادیه ای قبایل است.^۲ اولاد جغتای که سلسله ایشان را خانان جغتای می گویند مدت ۱۳۶ سال از (۶۲۴ تا ۷۶۰) بر ماورالنهر و قسمتی از خوارزم و کاشغر و غیره حکومت داشتند و سلسله ایشان در سال ۷۶۰ هجری دستخوش هرج و مرج گردید و بالاخره امیر تیمور در سال ۷۷۱ هجری آن را به کلی برانداخت. خانان الوس جغتای قریب سی نفر بودند و از ایشان دو نفر از خاندان اکتای هستند که به خانی الوس جغتای رسیده اند، این الوس سنت گراترین بخش امپراتوری مغول بود و به دلیل نزدیکی به مغولستان به شدت تحت تاثیر تحولات آن قرار داشت و این خود دلیلی بر اینکه فرمانروایان الوس بتوانند سنت های صحراگردی خود را حفظ کنند.^۳ برخی قبایل یا گروه های شبه قبیله ای که نامشان در این مقطع از تاریخ منطقه یاد شده، عبارتند از برلاس، ارلات، سلدوز، جلایر، یساوری و اپاردی. قابل ذکر است که چهار طایفه نخست از موقعیت برتری برخوردار بودند. تیمور نیز از طایفه برلاس بودند و بنا به برخی منابع مدعی آن بود که جد پنجم وی امیر قراچار نوین برلاس است که دستیار نزدیک جغتای پسر چنگیز است.^۴ در عهد خانی قزان سلطان خان (خازان خان) که در سال ۷۳۳ هجری سه سال قبل از فوت سلطان ابوسعید بهادر خان به کرسی خانی الوس جغتای رسید.^۵ پایتخت ماورالنهر شهر قرشی بود و خازان خان پسر یساور در آنجا سلطنت میکرد و شرف الدین علی یزدی او را پادشاهی سفاک و خونریز معرفی میکند.^۶ در این دوره از خانی قزان سلطان امیری از طایفه برلاس به نام امیر قزغن بر علیه وی

۱. نوایی، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (از تیمور تا شاه اسماعیل)، ص ۱۸-۱۷.

۲. جعفریان، (از یورش مغول تا زوال ترکمانان از قرن ۹ تا ۷ هجری)، ص ۲۶۷.

۳. اقبال آشتیانی، تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، ج ۲، ص ۵۸۱.

۴. جعفریان، (از یورش مغول تا زوال ترکمانان از قرن ۹ تا ۷ هجری)، ص ۲۷۰.

۵. اقبال آشتیانی، تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، ج ۲، ص ۵۸۳.

۶. گروسه، امپراطوری صحرانوردان، ص ۵۵۸.

شورش کرد. امیر قزغن در نزدیکی شهر قرشی در سال ۷۴۷ هجری، قزان را کشت.^۱ امیر قزغن چون صاحب واقعی ماورالنهر شد به مشروع بودن و به رسمیت شناختن خاندان جغتایی خاتمه داد و تخت پادشاهی ماورالنهر را به یکی از احفاد اوکتای قاآن به نام دانشمندیه داد ولی بعد از چندی همین امیر قزغن دانشمندیه را کشت و نوۀ دوواخان به نام بیان قلی را به عنوان خانی به قدرت رساند و صاحب ظفرنامه شامی بیان قلی را یک فرد مطیع و یک عنصر فرمانبرداری در دست امیر قزغن نام برده است. حکومت قزغن از ۷۴۶ تا ۷۵۹ هجری طول کشید. امیر قزغن در سال ۷۶۰ توسط دامادش قتلغ تیمور بوردای به قتل رسید.^۲ بعد از قزغن پسرش امیر عبدالله به قدرت رسید، عبدالله، بیان قلی را به طمع دست یافتن به همسرش به قتل رساند و این عمل زشت او باعث تنفر عموم امرا و اشراف ماورالنهر شد. به خصوص این دشمنی امیر بیان سلدوز و حاجی برلاس عموی امیر تیمور را که امیر کش (شهر سبز امروزی) بود خیلی تحریک کرد.^۳ پس از چندی عبدالله فراری شد و بعد از مدتی درگذشت و بیان سلدوز امیر الوس شد.^۴ امیر بیان سلدوز به زودی غالب سرزمین های ماورالنهر را تحت امر خود درآورد و در حقیقت مقام خانان الوس جغتای را گرفت اما چون مردی سلیم النفس و بی آزار بود و غالب ایام خود را در عیش و نوش گذراند، امرای سرکش ماورالنهر و توران هر یکی در ناحیه ای سر به طغیان برداشتند و اختلال کلی در کارهای این قسمت از ممالک چنگیزی افتاد از آن جمله امیر حاجی برلاس در ناحیه کش، امیر بایزید جلایر در خجند، امیر حسین پسر امیر مسلای برادرزاده امیر عبدالله و نواده امیر قزغن و امیر خضر یسوری، نیز با لشکریان خود پیوسته به تعرض این سرزمین ها (بلاد مختلفه) می پرداختند.^۵ آوازه پیشامد این انقلابات و اختلافات که از بعد از قتل امیر قزغن روی کرده بود به تدریج به اطراف رسید و تغلق تیمور پادشاه مغول الوس جغتای در مشرق توران یعنی حدود کاشغر نیز شروع به شورش هایی کرد، تغلق تیمور در سال ۷۶۳ هجری به ماورالنهر لشکر کشید و امیر بیان سلدوز و امیر بایزید جلایر را کشت و الیاس خواجه پسر خویش را به ماورالنهر حکومت داد.^۶ تیمور در این زمان از تغلق تیمور اطاعت کرد و به حکمرانی شهر سبز رسید. در واقع فعالیت های تیمور که منجر به جهانگشایی های بعدی او شد از همین زمان آغاز میشود و شاید تیمور به این دلیل به تغلق تیمور پیوست که نیروهای نظامی تغلق برتر از نیروهای

۱. همان، ص ۵۵۹.

۲. گروسه، امپراطوری صحرانوردان، ص ۵۶۰-۵۵۹.

۳. میرجعفری، تاریخ تیموریان و ترکمانان، ص ۹.

۴. فوربز منز، برآمدن و فرمانروایی تیمور، ص ۶۰.

۵. اقبال آشتیانی، تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، ج ۲، ص ۵۸۴.

۶. همانجا

او بوده و به این طریق و با جلب رضایت و اطاعت از تغلق تیمور حکمرانی شهر سبز را بدست آورده و بعد در فرصتی مناسب قدرت را خود بتواند به دست بگیرد و همین امر نیز اتفاق می افتد. بعد از شکست الیاس خواجه از امیر تیمور و امیر حسین، بین ایشان نیز درگیری هایی اتفاق افتاد که منجر به پیروزی تیمور شد. بعد ها تیمور با خواهر امیر حسین که "اولجای ترکان آغا" نام داشت ازدواج کرد و از این بعد است که به تیمور گورکان* ملقب شد. چون میدان سیاست در ماورالنهر بلامنازع باقیماند، امیر تیمور و امیر حسین برای کسب قدرت کامل رو در روی یکدیگر قرار گرفتند در حالیکه سپاه امیر حسین سه برابر سپاه امیر تیمور بود. در این جنگ ابتدا تیمور شهر و قلعه مستحکم قرشی* را که از قلاع امیر حسین بود به تصرف درآورد و امیر حسین شکست خورد و تیمور در روز ۹ رمضان سال ۷۷۱ هـ ق در ۳۴ سالگی در بلخ به تخت سلطنت جلوس کرد. برخی منابع دیگر ذکر کرده اند که در تاریخ چهارشنبه دوازدهم رمضان ۷۷۱ در بلخ از امرا و بزرگان و علما قوریلتهایی تشکیل داد و رسماً به سلطنت ماورالنهر منصوب شد.^۱ تیمور همواره در صدد بود که مملکت وسیع چین را به تصرف خود در آورد. بعد از آنکه تیمور سپاه عظیمی فراهم آورد به سمت چین حرکت کرد، زمانیکه وی به منطقه اترار رسید در شعبان سال ۸۰۷ هجری گرفتار تب شدیدی شد و در هفدهم آن ماه پس از ۳۶ سال فرمانروایی درگذشت.^۲

ذکر نام، زادگاه، تولد و القاب و نسب تیمور

ابن عربشاه در عجائب المقدور ذکر میکند که نام او تیمور است (بکسر اول و سکون ثانی)، چون لغات فارسی در زبان عربی به صورت های گوناگون تغییر شکل می دهند، لذا نام تیمور را در کتب عربی گاه به

* گورکان در زبان ترکی به معنای داماد میباشد.

* در توضیح قرشی لازم به ذکر است پس از آمدن مغولها در قرن هفتم کپک خان در دو فرسخی شهر کهنه نخشب قصری برای خود ساخت و چون در زبان مغولی قصر را قرشی گویند ربضی را که در پیرامون این قصر بود نیز قرشی گفتند و این امکان جای نخشب کهنه را گرفت. (لیسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ج ۱، ص ۵۰۰). در کتاب زبده التواریخ حافظ ابرو نیز در ارتباط با قرشی آمده است: "از موضع قرشی سنگ قاش را که پادشاهان قدیم ختای آورده بودند و حضرت امیر صاحب قران انار الله برهانه. در آن وقت که لشکر به مغولستان برده بود بدانجا رسید و خواستان سنگ را به ماورالنهر نقل کند، امیر جهانشاه را با چند هزار مرد آنجا گذاشت که آن سنگ را به سمرقند رسانند." (حافظ ابرو، زبده التواریخ، ج ۲، ص ۸۹۲).

۱. اقبال آشتیانی، تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، ج ۲، ص ۵۹۴؛ بلخی، روضه الصفا، ج ۴-۵-۶، ص ۱۱۲۶.

۲. جعفریان، (از پورش مغول تا زوال ترکمانان از قرن ۹ تا ۷ هجری)، ص ۲۸۳. ماده تاریخ تولد و خروج و فوت امیر تیمور:

سلطان تمر آنکه مثل او شاه نبود در هفتصد و سی و شش آمد بوجود

در هفتصد و هفتاد و یک کرد خروج در هشتصد و هفت کرد عالم بدرود (قانعی، تیمور لنگ گورکانی، ص ۳۹). همچنین در ارتباط

با تاریخ مرگ تیمور و محل آن ر.ک: (طاهری، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمورتا مرگ شاه عباس، ص ۵).

شکل «تمور» و گاه به صورت «تمرلنگ» گفته‌اند.^۱ معنی لغوی تیمور به معنای آهن در ترکی است.^۲ نام بسیار رایج تیمور میان ترک‌ها و مغول‌ها را عثمانی‌ها دمیر به معنای آهن به کار برده‌اند.^۳ تیمور لنگ که اروپائیان به تحریف او را تمرلان گفته‌اند به سال (۷۳۶هـ/۱۳۳۶م) در دیار ماورالنهر زاده شد.^۴ تاملان در زبان ترکی غالباً به نام تیمور مشهور است، تاملان تلفظ غربی نام تیمور از نامگذاری فارسی او یعنی تیمور لنگ گرفته شده است.^۵ تیمور از میان طایفه ای از مغولان ترک مآب شده به نام برلاس برخاست. طایفه برلاس شاخه ای از قراوناس* ماورالنهر بود که در دره کشکه دریا استقرار داشت.^۶ زادگاه او شهر کش (امروز امروز به نام شهر سبز معروف است) واقع در جنوب سمرقند در ماورالنهر.^۷ و بنابر نوشته برخی منابع دیگر تیمور در روستای خواجه ایلغار در حوالی شهر کش در جنوب سمرقند به دنیا آمده است.

یکی از القاب تیمور، گورکان (کورکن) است. گورکان در لغت مغول به معنی «داماد» است. تیمور در جوانی به دامادی سلطان جغتایی ماورالنهر درآمده و به گورکان (داماد) ملقب شد.^۸ برخی دیگر از منابع اشاره کرده‌اند که تیمور بعد از زمانی ملقب به گورکان شد که پس از قتل امیر حسین چهار تن از زنان حرمسرای وی را به عقد خود درآورد، یکی از این زنان حرمسرا دختر غازان خان مغول (سرای ملک خانم) بود. به علت وجود همین سرای ملک خانم بود که تیمور از طرف مغولان ملقب به گورکان گردید و به همین لقب سکه زد.^۹ به عبارتی این اصطلاح اشاره به پیوند زناشویی تیمور با چنگیزیان دارد.^{۱۰} تیمور پسر امیر ترغای بود. در منابعی دیگر نام پدر تیمور را طراغای از طایفه برلاس و نام مادرش را تکینه خاتون ذکر کرده‌اند.^{۱۱} برخی

۱. ابن عربشاه، زندگانی شگفت انگیز تیمور (عجائب المقدور فی اخبار تیمور)، ص ۴.

۲. صدیق، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، ص ۱۹۸.

۳. بوات، تاریخ مغول "تیموریان"، ص ۲۸.

۴. حتی، تاریخ عرب، ج ۲، ص ۸۸۱.

۵. فوربز منز، برآمدن و فرمانروایی تیمور، ص ۱.

* مغولانی که در اراضی غربی الوس جغتای، هفت آب، ترکستان، ماورالنهر استقرار یافته بودند به مرور زمان خود را با فرهنگ و سنن ترکی تطبیق داده و آیین اسلام را پذیرفته و این طوایف از ترک و مغول بودند که با نام عمومی قراوناس شناخته می‌شدند. (خزاعلی، تاریخ جهان اسلام از قرن ۱۰ تا ۱۰ هجری، ص ۶۶).

۶. خزاعلی، تاریخ جهان اسلام از قرن ۱۰ تا ۱۰ هجری، ص ۶۶.

۷. گروسه، امپراطوری صحرائوردان، ص ۶۶۸.

۸. سیدی، تاریخ مشهد از آغاز تا مشروطه، ص ۵۷.

۹. میرجعفری، تاریخ تیموریان و ترکمانان، ص ۱۴.

۱۰. آژند، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج، ج ۵، ص ۵۳.

۱۱. میرجعفری، تاریخ تیموریان و ترکمانان، ص ۱۰.

منابع دیگر معتقدند نام پدر وی تیراگانی بود و ریاست قبیله برلاس ترک را عهده دار بود.^۱ کلاویخو سفیر اسپانیا در زمان تیمور؛ پدر وی را اینگونه معرفی میکند: "پدر تیمور مردی از خاندان بزرگ و والاتباری بود از خون جغتائیان، وی از بزرگان کم ثروت بود که فقط ۳ یا ۴ سوار به همراه داشت که ملازم او بودند در دهی که چندان از شهر کش مسافتی نداشت مقیم بود زیرا اصولاً بزرگان و نجبای همانند او روستا را بر شهر برتری می دادند.^۲ در ارتباط با اصل و نسب تیمور اختلافات نظری زیادی در منابع دیده میشود. خواندمیر در ارتباط با نسب تیمور چنین ذکر میکند: "نسب پادشاه کامران امیر تیمور گورکان به موجبی که در کتب مشهور و مسطور است بقراجار نویان که در زمان پادشاه عالم ستان چنگیز خان سرور، قبیله شده، مدت یکصد و چهل و دو سال دولت و اقبال در دودمان او بود.^۳ در چند جای ظفرنامه هاتفی اشاره به خویشی و از یک دودمان بودن چنگیزیان و تیموریان شده و آثار اهتمام به اثبات منظور سلاطین تیموری که مایل بودند حکومت تیموری را دنباله امپراتوری مغول و خود را ادامه دهنده سلطنت چنگیز قلمداد کنند، دیده میشود.^۴ و اما مورخین تیموری او را از احفاد یکی از همکاران چنگیز می دانند و بعضی از آنها حتی او را به خاندان چنگیزخان منسوب می نمایند ولی در حقیقت تیمور اصلاً مغول نبوده و عنصری است ترک.^۵

مقایسه خصوصیات و شخصیت چنگیز با تیمور

در ارتباط با خصوصیات و صفات تیمور منابع این دوره مطالبی به طور مفصل ذکر کرده اند. سمرقندی در این ارتباط می نویسد: «حضرت صاحب قرانی پادشاهی بود عالی همت کیوان رفعت. هر جزوی از ذات مکرمش عقلی مصور و هر موئی بر عنصر معظمش سپاهی زره ور. هنگام شجاعت چون شیر زیان همه دل و زمان سخاوت چون ابر نیسان. در ترتیب امور دیوانی و تحصیل وجوه سلطانی قاعده ها نهاد که تا انقراض عالم دستور وزرای کامل عقل و منشور حکام صاحب تجربه تواند بود و کوکب دولت او به درجه ای بود که به سواری دیاری می گرفت و به حکایتی ولایتی می گشود.»^۶ حسینی تربتی در تزوکیات تیموری خصوصیات وی و تدبیرش در امور سلطنت را اینگونه توصیف می کند: «تیمور در امور سلطنت چهار امر را بدست بگیرد یعنی کنکاش و مشورت و حزم و احتیاط که هر سلطنتی که از کنکاش و مشورت خالی

۱. دانی، میراث تیمور، ص ۲۲.

۲. کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ص ۲۱۵.

۳. خواندمیر، دستور الوزراء شامل احوال وزرای اسلام تا انقراض تیموریان ۹۱۴، صص ۳۳۹-۳۳۸.

۴. مرتضوی، مسائل عصر ایلخانان، ص ۵۷۳.

۵. گروسه، امپراطوری صحرانوردان، ص ۶۶۸.

۶. سمرقندی، مطلع سعیدین و مجمع بحرین، ج ۱، صص ۱۰۵-۱۰۴.

باشد چون شخصیتی است جاهل که آنچه کند و گوید همه غلط باشد و گفتار و کردارش سر به پشیمانی و ندامت بار آورد»^۱ روملو در ارتباط با توجه تیمور به هنرمندان و ارباب فضل چنین می‌نویسد: «آن پادشاهی بود صاحب شکوه و شهریاری حکمت پژوه، بنابر اقتضای عادت جبلی بلکه به مقتضای سعادت لم یزلی همیشه ارباب فضل و هنر و هنروان فضیلت گستر را مشمول عواطف بی کران ساختی و به تدارک ارباب فطانت بر، وجه اتم و اکمل پرداختی.»^۲ جاه طلبی و ماجراجویی دو صفت بارز تیمور بود، از سرگذشت او پیداست که به زندگی ساده قانع نبوده و همواره برای کسب پیروزی خود را در کام خطرات بزرگ می‌انداخته است. صفات دیگر شجاعت و تهور و دیگر تدبیر و مکر موجب پیشرفت و توفیق تیمور شده بود. تیمور بی هیچ هراسی از دشمن و با تهور تمام به استقبال جنگهای دشوار می‌رفت.^۳ از دیگر ویژگی شخصیتی تیمور، زیرکی فوق العاده او بود. هر چند او خواندن و نوشتن نمی‌دانست اما از دانش دیگران بهره می‌برد و از زبان ترکی و فارسی به خوبی بهره داشت.^۴ در برخی منابع دیگر نیز ذکر شده که تیمور حافظه ای بسیار قوی داشت.^۵ پزشکان و ستاره شناسان را مقرب میداشت و سخنانشان را به گوش می‌گفت. او خود نوشتن و خواندن نمی‌دانست، از عربی چیزی نمی‌دانست، لغت های پارسی و ترکی و مغولی را در سخنش به کار می‌برد، و معتقد به یاسای چنگیزی بود.^۶ تیمور نسبت به همه، جز کسانی که نافرمانی می‌کردند مهربان و با سخاوت بود، وی نافرمانان را به سختی مجازات میکرد. تیمور عدالت خواه بود و ظالمان را به سختی مجازات میکرد، علماء را گرامی میداشت، علم را و هنرهای زیبا را ترویج مینمود.^۷ چنگیز خان با خصوصیات و صفاتی که به وی نسبت داده شده، نقش پیامبر گونه ای در میان مغول داشته است ولی چون مغولان بنا به طرز تفکر خاص مذهب شمنی، امکان تصور وجود پیامبر را نداشته اند، او را در زمره ایزدان قرار داده اند.^۸ چنگیز مردی عاقل خطیب و از حیث نظامی پر ارزش بود. شهرت او به زودی زبانزد عموم قرار گرفت.^۹ میرخواند در ارتباط با خصوصیات چنگیز اشاراتی دارد. اینکه وی در سن طفولیت برای

۱. حسینی تربتی، تزوکیات تیموری، ص ۴.

۲. روملو، احسن التواریخ، صص ۵۰۳-۵۰۲.

۳. میرجعفری، ص ۵۱.

۴. فوربز منز، ص ۲۲.

۵. برایوان، منم تیمور جهانگشا، ص ۶۴۰.

۶. اسماعیلی، تیمور جهانگشا، ص ۱۷۹.

۷. لمب، تیمور لنگ، ص ۲۹۶.

۸. بیانی، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، ص ۱۶.

۹. مارکو پولو، سفرنامه مارکو پولو، ص ۸۲.

رسیدن به قدرت در پی تلاش بود تا اینکه با درایت توانست بسیاری از کشورها را تحت قلمرو خود درآورد و سلاطین نامدار را مقهور خود سازد و بعد از وی جانشینانش بر سریر قدرت جای گرفتند.^۱ تفاوتها و شباهتهایی بین شخصیت چنگیز و تیمور وجود دارد. چنگیز که بر آیین مغولان معتقد بود توانست به سلسله سلطنتی خوارزم موجودیت ببخشد، در حالیکه تیمور مسلمان، وحدت ایران تجزیه شده را طی سدهها به وجود آورد، تیمور با همان سخت دلی و سنگ دلی چنگیز، مومنی مصلحتی بود و همواره سعی در توجیه اعمال و رفتار خویش داشت. گفت و گوهای مذهبی و علوم دینی را دوست داشت و از مجالست و شرکت در جلسات علما لذت میبرد.^۲ هم تیمور و هم چنگیز روحیه جهانگشایی داشته اند و با متحد کردن اقوام حکومت را بدست گرفتند. بعد از مرگ چنگیز امپراتوری وی توسط جانشینانش هر چند که با کفایت و کاردان و مانند وی نبودند ادامه پیدا کرد در حالیکه تیمور از داشتن فرزندان و نوادگان مطیع مانند چنگیز نبود و بعد از مرگ وی به سرعت قلمرو تیموری در نزاع بین جانشینان وی رو به تحلیل و نابودی رفت.

جایگاه دانشمندان، شاعران و هنرمندان در دربار امیر تیمور

الف- جایگاه علما، دانشمندان و شاعران

امیر تیمور دوستدار علما و دانشمندان بود و از آنان حمایت میکرد. معروفتر از همه ارتباط او با ابن خلدون دانشمند مغربی (مراکش) بود، مذاکرات و مباحثات بسیاری بین این دو، برقرار شد. به احتمال زیاد دلیل این مسئله را باید در جلوه جذاب و فراست و بلاغت ابن خلدون جست و جو کرد که بی درنگ توانست دل تیمور را بلرزاند.^۳ تیمور شمار زیادی از قاریان قرآن و وعاظ و خطبا و خوشنویسان و ستاره شناسان و سایر هنرمندان دیگر را به سمرقند کوچ داد.^۴ انتخاب شهر سمرقند برای پایتختی توسط تیمور بی دلیل نبوده است. سمرقند شهری زیبا بود که در سفرنامهها از آن به نیکی یاد شده است. از جمله اصطخری می نویسد: «هوا، خاک و زمین سمرقند، از نیکوترین هوا و خشک ترین آن مواضع است، و اهل آن پیوسته بر اکتساب فضل، علم و ادب مشغول و بر اظهار مروت مشعوف می باشند. در دیار ماوراءالنهر، خاکی درست تر از خاک سمرقند نیست.»^۵ در علم قرائت قرآن از این دوران دانشمندان بزرگی برنخاست. مگر عالمی

۱. میرخواند، تاریخ روضه الصفا، ج ۵، ص ۳۴.

۲. بوات، تاریخ مغول "تیموریان"، ص ۲۳.

۳. آژند، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج، ج ۵، صص ۹۷-۹۶.

۴. پناهی، تاریخ هنر اسلامی، ص ۶۸. ر.ک: دانشدوست، هنر معماری ایران در دوره تیموریان، ص ۹۲.

۵. اصطخری، ممالک و مسالک، ص ۳۴۰.

غیرایرانی به نام ابوالخیر محمد بن محمد الجزری (۷۵۱-۸۳۳) که تیمور در سال ۸۰۵ هـ، او را در یورش به جزیره و شام چون دیگر غنایم، با خود به سمرقند برد و وی از آن پس تا پایان عمر در بلاد ماوراءالنهر و خراسان و فارس سرگردان بود و اواخر عمر را در شیراز گذراند و در آن شهر دارالقرآنی تاسیس کرد.^۱

در میان دانشمندانی که تیمور از سایر بلاد به سمرقند فرستاد دو تن از همه معروفترند. یکی سعدالدین تفتازانی و دیگری میر سید شریف جرجانی. تیمور اولی را از سرخس و دومی را از شیراز به سمرقند برد. دانش سعدالدین تفتازانی در موضوعاتی چون منطق، صرف و نحو عربی، فلسفه، کلام و تفسیر و فقه بوده است. میر سید شریف جرجانی نیز رساله معروفی در صرف عربی دارد، موسوم به صرف میر و رساله ای در منطق، که به الکبری فی المنطق موسوم است.^۲ او بن در مجموعه تراجم احوال شاه نعمت الله ولی کرمانی می نویسد: "نقل است که حضرت صاحبقرانی کسی را که به صفات ولایت و عزلت و ریاضت یا فتوی و تقوی و علم و زهدات متصف بوده در وقت معانقه ملاحظه میکرده که دل او از ترس می طپیده یا نه."^۳

تیمور در بین علوم بیش از همه به تاریخ علاقه داشت. همین موقعیت مناسبی را جهت خلق آثار تاریخی پدید آورده بود. جانشینان او نیز چنین بودند چنانکه تنها مورخان حسین بایقرا را بیش از ۲۰۰ تن ذکر کرده- اند. این آثار بیشتر به ذکر جزئیات زندگی سلطان و فرزندانش پرداخته اند از جمله ای این آثار میتوان به ظفرنامه شامی اثر نظام الدین شامی* اشاره کرد که به فرمان تیمور و مشتمل بر شرح فتوحات و نبردهای او را در سال ۸۰۴ آغاز کرد و در حیات تیمور آن را به پایان برد. البته خالی از لطف نیست به عجایب العقذور از ابن عربشاه (۷۹۱ تا ۸۵۴ ق) نیز اشاره کرد که در آن با دید منفی به زندگی تیمور می پردازد و چون در دربار تیمور نبوده است آزادانه از وی انتقاد کرده است. خواندمیر در ذکر بعضی از سادات و مشایخ و علما و اکابر که با تیمور معاصر بودند مینویسد: «مولانا عبدالله بن مولانا لسان الدین محمد افضل حکماء زمان و اعلم منجمان دوران بود و احکام نجومی او مانند قضا و قدر تخلف نمی نمود بیت همه زیج فلک جدول بجدول باسطرلاب حکمت کرده و صاحبقران خورشید محل نسبت بآن فاضل بی بدل التفات بسیار داشت و آنجناب نیز همواره بسان بخت و دولت در ملازمت بود و رقم اخلاص بر صحیفه ضمیر می نگاشت.»^۴

وی همچنین در ادامه به معرفی مولانا حسام الدین ابراهیم شاه کرمانی که در علم طب مهارت داشت و

۱. میر جعفری، تاریخ تیموریان و ترکمانان، ص ۱۳۹.

۲. همان، ص ۶۸.

۳. او بن، مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت الله ولی کرمانی، ص ۴۳.

* نظام الدین شنب غازانی معروف به نظام الدین شامی، معاصر تیمور بود. او ظفرنامه را به دستور تیمور نوشت. ظفرنامه اثر مطولی است که به اسلوب پیچیده و متکلف نوشته شده است. (آژند، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج، ج ۵، ص ۴۲۳).

۴. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۳، صص ۵۴۷ و ۵۴۲.

مولانا صفی‌الدین ختلائی که در سلک فضلاء ماورالنهر انتظام داشت، می‌پردازد. هر دو آنها مورد توجه و احترام تیمور بودند.^۱

در مورد جایگاه شعرا نیز تیمور هم می‌توان گفت که آنها از اعتباری خاص نزد تیمور برخوردار بودند. در شعبان سال ۸۹۷ هجری تیمور از دشت قبچاق بازگشت و سیزده روز در شهر سلطانیه ماند و سپس به جانب همدان رفت و ملک الطاهر را با احترام فراوان بدان شهر خواند. ملک الطاهر که قبلاً یکسالی در زندان به سر برده بود و به لطف ملکه کبری (یکی از همسران تیمور) به رهایی رسیده بود با خوش رویی بر وی فرود آمد تیمور نیز بر او محبت بسیار کرد و تحفه‌های فراوان بخشید.^۲ زبان شعری در دوره تیموری نسبت به ایام گذشته هر چه بیشتر به زبان مردمی و محاوره‌ای نزدیک شد. دلیل این تحول را باید در این مسأله جست که شعر در این دوره خاص دربار نبود و به درون مردم کوچه و بازار کشیده شده بود. عرفان هنوز موضوع محبوبی برای شعر بود. بخصوص تبیین‌های تصوف در غزل کاربرد عمومی داشت. در این ایام شاعرانی چون شاه نعمت‌الله ولی، قاسم انوار و جامی شعرهای فراوانی با خصوصیت‌های عرفانی سرودند. در میان قالب‌های مختلف شعری دوره تیموری، غزل از توجه و عنایت خاصی برخوردار شد. افکار بکر و صناعت ادبی در اواخر دوره تیموری به طور روزافزونی وارد غزل گردید. دلیل عمده این تحول شاید در این امر باشد که ایرانیان به سبب تهاجم مغولان و قتل‌عام‌ها و غارت‌های سده هفتم-نهم/سیزدهم-پانزدهم، از دنیای مادی رویگردان شدند و به مسائل معنوی روی آوردند.^۳

در میان حکام و شاهزادگان تیموری که از هنر و ادب این دوران حمایت می‌کردند میتوان از شاهرخ، بایسنقر میرزا، الغ بیگ، ابوسعید و به خصوص سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیرعلیشیرنوی نام برد. از جمله شاعران در دوره حکومت تیموریان میتوان به کمال‌الدین بن مسعود (متوفی ۸۰۸/۶-۱۴۰۵م) است که در فاصله بین ایلخانان مغول و تیموریان زندگی می‌کرد و باتخلص کمال به کمال خجندی شهرت داشت و در قالب غزل استاد بود. یکی از معاصران کمال، ملا محمد شیرین مغربی تبریزی (متوفی ۸۰۹/۷-۱۴۰۶م) بود. غزلیات وی در بردارنده اشاراتی به عقاید و الهامات عرفان اسلامی است. سید نعمت‌الله ولی کرمانی (متوفی ۲۲ رجب ۸۳۴هـ/۴ آوریل ۱۴۳۱م) نیز از شاعران قرن

۱. همان، صص ۵۵۱ و ۵۴۹.

۲. اسماعیلی، تیمور جهانگشا، ص ۱۸۳.

۳. آژند، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج، ج ۵، ص ۴۱۹-۴۱۸.

نهم/پانزدهم بود. او عارفی بزرگ و موسس طریقت دراویش نعمت اللهیه است. اشعار عرفانی او مشتمل بر غزلیات، قصاید و مثنوی‌ها بود.^۱

ب- جایگاه هنر در دربار تیمور

تیمور به هنرهای مختلف توجه داشت. هنگامیکه هنرمندان شهرهای گشوده خویش را از شیراز و بغداد و جاهای دیگر به سمرقند آورد، شاید هیچ نظری به مقاشی های باریک و ظریفی که میان صفحات کتابها پنهان می ماند، نداشت و بیشتر ایشان را به کار پرداختن پرده های بزرگ از پیکارها و کارزارهای خود گماشت.^۲ هنر دوره ایلخانان در قرن ۱۴م به خروج امیر تیمور و فتوح و خونریزی های او، از دهلی تا سرزمین شام مواجه گردید. با وجودیکه تیمور طبعاً خشن و قهار بود، ولی تربیت او در محیط دانش و هنر و تصوف، از خشونت چنگیزی او میکاست و در صدد آن برآمد که سمرقند را مجمع دانشمندان و هنرمندان گرداند، وی مولانا نظام الدین شامی را در سال ۸۰۲ هجری در حلب و مولانا شهاب الدین عبدالله لسان را در سال ۸۰۴ هجری و شیخ قطب الدین بن شیخ محمود زنگی را در سنه ۸۰۶ هجری به حضور خود پذیرفت و خواجه عبدالحی مصور را از عراق به سمرقند آورد.^۳ او در پی لشکرکشی های خود بافندگان و کمان سازان دمشق را و زره سازان و شیشه گران و چینی سازان آن سرزمین را با خود به سمرقند برد و از عثمانی نیز تفنگ سازان و اهل حرف مثل زرگر و بنا را به سمرقند آورد.^۴

مبادی هنر مکتب تیموریان از دربار سلاطین گذشته به دربار تیمور انتقال یافته و نقاشی نیز رواج داشت. چنانچه تیمور بعد از فتوح هفت ساله روم (کشور عثمانی) در دو فرسنگی سمرقند، مجلس بزرگ جشن پیروزی را زیر خیمه عظیم منقش و ملون و مذهب به طلا و لاجورد که ده هزار کس در سایه آن نشستند ترتیب داد و مورخان در توصیف نقش و نگار این خیمه رنگین منقش بزرگ رطب اللسانند.^۵ این سبک حدود (۸۰۸ هجری) و (۷۹۳ هجری) زیر نظر شخص تیمور به وجود آمد. برای اینکه نوآوری آن را دریابیم تعیین نقطه آغاز آن اساسی است. آرامگاه شاد ملک یک نمونه بسیار زیبا از نوع معماری پرتجمل، پیش از آمیختگی نخستین سبک اصیل تیموری است.^۶ با وجود ترس و وحشتی که همواره با

۱. آژند، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج، ج ۵، ص ۴۲۱-۴۲۰.

۲. پرایس، تاریخ هنر اسلامی، ص ۱۲۶.

۳. حبیبی، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، صص ۳۲-۳۱.

۴. امیرخانی، تیموریان، ص ۳.

۵. حبیبی، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، صص ۳۲-۳۱.

۶. ویلبرد، و دیگران، معماری تیموری در ایران و توران، صص ۲۵۴-۲۵۳.

سلطنت تیمور همراه بود، اهل هنر و نقاشان و نویسندگان دست از کار خود نکشیدند. بعضی از آثار آنها از آسیب آن دوره آشفته محفوظ و باقیمانده‌اند از جمله شاهنامه موجود، در قاهره که تاریخ ۹۴-۱۴۹۳ م، را دارد کلیله و دمنه، که در کتابخانه پاریس نگهداری میشود و بعضی از نسخ از آثار خواجهی کرمانی که یکی از آنها مجموعه قصائدی است که در سال ۷۹۸ هجری در بغداد توسط خوشنویس معروف میرعلی تبریزی استنساخ شده و اکنون در موزه لندن موجود است.^۱

در ارتباط با تاریخ نقاشی نگارگری در این دوره، علی رغم اینکه تیمور از شهرهای مفتوحه ایران هنرمندان و صنعتگران زنده را به پایتخت جدید خود سمرقند منتقل کرد نظیر خوشنویس سرشناس معین الدین و نقاش نام آور عبدالحی ولی سراغ نداریم در زمان حیات تیمور یک نسخه خطی زیبا در سمرقند تولید شده باشد. خوشنویسان و مذهبان می بایست در طراحی و تزئین شماری از بناهای باشکوه که تیمور با شتاب تمام در پی ایجاد آنها بود، پیوسته و موقت به کار مشغول شده باشند. تقریباً همه کاتبان معروف این روزگار نیز در طراحی کتیبه های بناهای عمومی دست داشتند و شواهدی درباره نقاشی های دیواری کوشکهای باغها و گلدوزی پیکره ای چادرها - که اقامتگاه مطلوب و محبوب تیمور بود در دست است. از این رو سبک نقاشی نگارگری تیموری نه در سمرقند بلکه در پایتخت های متزلزل آخرین حاکم جلایری سلطان احمد توسعه یافت. این سبک پس از مرگ تیمور به وسیله جانشینان او اقتباس شد، ولی این اخذ و اقتباس با ترمیمها و اصلاحاتی بویژه با فعالیت و توان مضاعف همراه بود.^۲ شیشه سازی هم در دوره مورد بحث رونق فراوانی داشت و هنرمندان روزگار تیموری در آنگینه سازی و میناکاری مهارت و شهرتی بسزا داشتند. تیمور گروهی از شیشه گران را در سمرقند گرد آورده بود و به دنبال این کار، شیشه سازی در آن ناحیه رونق یافته بود. پاره ای از شیشه گران از مردم سوریه بودند که در سمرقند سکونت داده شده بودند. آمدن شیشه گران سوریه به ایران، بعدها موجب انتقال شیشه گری از ایران به مناطق دیگر می شد. برای مثال همین هنرمندان، هنر میناکاری بر روی چراغ و قندیل مساجد را از ایران به نواحی مختلف از جمله حلب و دمشق انتقال دادند. بیشتر ظروف شیشه ای، بلورین و میناکاری شده بازمانده از این دوره، شامل چراغ، قندیل و ظروف جامهای آبخوری است.^۳

با اینکه اکثر اوقات تیمور و سپاهیان در سفر سپری می شد، لیکن چه زمانی که تیمور در سمرقند بود و چه زمانی که در مسافرت، همواره با ترتیب جشن و سرور و مجالس شادی اوقات خود را پر میکرد. از

۱ . دستوم، تاریخ جهانگشایی تیمور، ص ۲۴۷.

۲ . آژند، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج، ج ۵، ص ۳۸۲.

۳ . امامی، فرهنگ و میراث فرهنگی، نگاهی به هنرهای اسلامی دوره تیموریان، ص ۱۵۵.

بزرگترین موسیقیدانان عصر تیموری می توان از خواجه عبدالقادر مراغی نام برد. او آهنگسازی دانشمند و نوازنده ای بزرگ بود که نه تنها در علم موسیقی استادی را به حد اعلا رسانده بود، بلکه در علم قرائت و شعر و خط بغایت ماهر بود. در اوایل حال در بغداد در مصاحبت سلطان احمد جلایر به سر می برد. بعد از غلبه تیمور بر بغداد و فرار سلطان احمد، خواجه عبدالقادر جزء ملازمان میرانشاه شد. بعد از مرگ تیمور، وی در خدمت شاهرخ به تقرب تمام در هرات ماند تا اینکه در سال ۸۳۸ هـ درگذشت.^۱ در منابع عصر تیموری از نقاشان برجسته ای مانند سیدی احمد نقاش، خواجه علی مصور، درویش محمد خراسانی، مولانا امیر خلیل، خواجه غیاث الدین، امیر روح الله مشهور به میرک نقاش و مولانا حاجی محمد، استاد قاسم علی چهره گشا و چگونگی کار آنها بحث شده است. اما بزرگترین نقاش عصر تیموری کمال الدین بهزاد بود که در سال ۸۵۴ هـ در شهر هرات به دنیا آمد.^۲

بعد از اینکه تیمور سمرقند را به عنوان پایتخت خود انتخاب، وی و خانواده او موجب حرکت های جدید معماری گردیدند. آثار عمده معماری این دوره به ده سال پسین حکومت تیمور تعلق دارد.^۳ از بناهای ساخته شده در دوره تیمور می توان به بناهای زیر اشاره کرد: بنای ازبکستان شاه زند: مجموعه ای متشکل از ۱۶ بنا در شمال سمرقند بود هدف تیمور از تأسیس این بنا احداث آرامگاه برای اعضای خانواده اش بود؛ مقبره احمد یسوی: عارف قرن ۶ که مقبره اش شامل مسجد، کتابخانه، خانقاه و آشپزخانه می شده است؛ مسجد جامع: بزرگ ترین بنای ساخته شده به فرمان تیمور در سمرقند در سال ۸۰۱ هـ است که به مسجد بی بی خانم معروف است.^۴ تلاشهای نخستین تیمور در یادبود اعضای درگذشته خانواده اش متمرکز شد و برای این منظور آرامگاههایی را در مجموعه معروف شاه زند برپاداشت. این مجموعه مرکب از حدود شانزده عمارت است که در دو سمت راه باریکه ای که در سینه تپه ای در بخش شمال شرقی سمرقند جای گرفته است، قرار دارد. نام این مجموعه یعنی «شاه زند» از نام پسرعموی پیامر، قاسم بن عباس گرفته شده که آرامگاه او از مدتها پیش زیارتگاه عمده شهر سمرقند بوده است.^۵ آرامگاههای تیمور دو نوع است: ساختمان مکعبی گنبددار با یک نمای پیشین مسلط، و یک ساختمان چند ضلعی با گنبدی که بر روی ساقه بلند گنبد قرار گرفته و در دو یا سه نمای آن یک درب ورودی وجود دارد. قدیمترین آرامگاهی که در مجتمع

۱. میرجعفری، تاریخ تیموریان و ترکمانان، ص ۱۴۵-۱۴۴.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. آژند، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج، ج ۵، ص ۳۲۳.

۴. امیرخانی، تیموریان، ص ۷۸ و ۷۹.

۵. آژند، همان، ص ۳۲۳.

شاه زند ساخته شده و از آن دوره تیمور است به نوع نخستین تعلق دارد. این مقبره -تکمیل در سال ۷۷۳هـ/ ۲-۱۳۷۱م، آرامگاه شادملک خواهرزاده تیمور است که ترکان آقا- خواهر تیمور برای دختر خود ساخته است. خشت موزاییک برای نخستین بار در آرامگاه شیرین بیکه آقا خواهر دیگر تیمور در سمرقند ظاهر شد. این آرامگاه در سال ۷۸۷هـ/ ۶-۱۳۸۵م، ساخته شد. نوع دوم، آرامگاهها (یعنی ساختمان چند ضلعی به شکل مربع و یا هشت ضلعی همراه با یک ورودی در دو یا چند نمای آن و یک گنبد همراه با ساقه گنبد استوانه ای بلند) آشکارا بنای جداگانه و مستقلی بود که از دو یا چند جانب به چشم میخورد. نمونه هایی از این نوع را می توان در مجموعه شاه زند مشاهده کرد ولی معروفترین آن در سمرقند گورمیر است که مقبره های تیمور و سایر اعضای خاندان سلطنتی را در خود جای داده است. گورمیر در میانه سالهای ۱۴۰۳م. و ۱۴۰۴م. به وسیله تیمور ساخته شد تا خاطره نوه خود میرزا محمد سلطان بن محمد جهانگیر که در سال ۸۰۵هـ/ ۱۴۰۳م. درگذشت، زنده نگهدارد. این بنا به مجموعه بناهای موجود که محمد سلطان در اواخر قرن هشتم/ چهاردهم برپا کرد افزوده شد. در شمال شرق و شمال غرب گورمیر یک مدرسه و یک خانقاه موجود است که صحنی مربع شکل آنها را جدا کرده است.^۱ یکی از نمونه بناهای تدفینی که اجرایی بس عالی داشت، مزار احمد یسوی در شهر ترکستان به سال ۷۹۹هـ/ ۷-۱۳۹۶م. بود. این مزار مجتمع کاملی از بناهایی بود که احتیاجات مختلف متولیان مزار را برآورد می کرد و شامل یک مسجد، کتابخانه و حجره های خانقاه و یک مطبخ بود. تیمور همچنین کاخ بزرگی به نام آق سرای در سال ۱۳۸۴م. در شهر کش زادگاه خود بنا کرد. از دیگر بناها مسجد جامعی بود که در سال ۸۰۱هـ/ ۱۳۹۹م. به فرمان تیمور در سمرقند ساخته شد. این مسجد، مسجد جامع سمرقند بود و به نظر میرسد که نام آن « مسجد بی بی خانم» از مدرسه ای گرفته شده که تیمور به نام همسرش ایجاد کرده است. مسجد و مدرسه هر دو در درون دیوارهای شهر در نزدیکی دروازه آهنین قرار داشت.^۲ از زمان تیمور مدرسه ای باقی نمانده است. ولی مدرسه الغ بیک در سمرقند ساخته شده بین سالهای ۱۴۱۷م. و ۱۴۲۰م. چگونگی کاربست سبک جدید را در این نوع ساختمانها نشان می دهد. از آنجا که وظیفه اصلی مدرسه تعلیم بوده، لذا قسمت های ضروری آن حجره ها برای زندگی، اتاقهای مباحثه و صحبت و نمازخانه بوده است. در مدرسه الغ بیک، صحن با پلان چهارایوانی ساخته شده است. حجره های زیستی در دو طبقه بین ایوانها تعبیه شده ولی طبقه بالا امروزه از بین رفته است. در چهار زاویه مدرسه تالارگنبدی، جلسه درس و مباحثه وجود داشته و در جانب جلویی مدخل ورودی و پشت ایوان برای برگزاری نماز و عبادت سرسرای درازی با محور اصلی موازی با

۱. آژند، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج، ج ۵، صص ۳۲۷-۳۲۳.

۲. همان، صص ۳۳۱-۳۲۷.

دیوار ایجاد شده بود.^۱ همه بناهای زیبایی که در عصر تیموریان در سمرقند ایجاد شد و دیگر بناهای برجای مانده از اولاد و احفاد تیمور، حاصل دسترنج معماران هنرمند ایرانی است. چون تیمور در سال ۷۹۵ هـ برای بار دوم شیراز را تسخیر کرد، قریب یک ماه در باغ تخت، اقامت نمود. شواهدی وجود دارد که نشان می دهد تیمور باغهای معروف شیراز را دیده و شیفته این باغها و نیز شاید بناهای شهر شده است. همه این زیبایی ها برای او به صورت الگویی از یک شهر زیبا درآمد. به همین دلیل برخی از باغهایی را که در سمرقند ایجاد کرد به نام باغهای موجود در شیراز نامید که باغ دلگشا و باغ جهان نما از آن جمله اند. تیمور همواره در پی ایجاد ساختمانهای مرتفع و باشکوه بود که باید با سرعت زیاد ساخته می شدند.^۲

با توجه به مطالب ذکر شده به این نتیجه خواهیم رسید که تیمور علاوه بر لشکرکشی های نظامی به فعالیت های هنری علاقه مند بوده و ارتباط خوبی با فضلا و علماء و دانشمندان داشته است به طوریکه ویلبرد تیمور را بنیانگذار در سبک هنری (سبک امپراتوری تیموری) میدانند که زیر نظر او به وجود آمد. تیمور در جریان فتوحات خود هنرمندان و معماران زیادی را برای آباد کردن سمرقند به این منطقه کوچ داد و از مهارت آنها برای آباد کردن این شهر استفاده میکرد. این هنرمندان زیر نظر تیمور به ایجاد بناهای متعددی اقدام کردند و به زودی سمرقند را که در آن زمان از شهرهای مشهور و معتبر ماوراءالنهر بود به یکی از زیباترین شهرهای جهان تبدیل کرد.

نتیجه گیری

تیمور در ۷۷۱ هجری بر ماورالنهر حاکم شد و ده سال بعد به ایران لشکر کشید. او در طول مدت لشکرکشی ها و فتوحات خود، همواره دوست دار علما و دانشمندان بود. از تمامی منابع تیموری چنین استنباط می شود که تیمور پس از فتح و غلبه بر هر شهری علما و دانشمندان و هنرمندان آنجا را جمع می کرد و به سمرقند می فرستاد. او به آبادانی و ساخت بناهای باشکوه علاقه ی فراوانی داشت. به ویژه به توسعه ی سمرقند توجه بسیاری داشت. این شهر تا آغاز قرن هفتم بسیار آباد بود اما با هجوم مغول ها و خود تیمور مثل سایر نقاط ایران از آن خرابه ای بیش باقی نماند بود. تا اینکه در اواخر قرن ۸ هجری که تیمور شهر سمرقند را برای پایتختی خود برگزید در عمران و آبادانی آن کوشش بسیار کرد و نتیجه ی آن اجتماع بسیاری از دانشمندان در این شهر و تبدیل شدن این شهر به مرکزی علمی و مذهبی مشرق زمین بود. عهد حاکمیت تیموریان از چشمگیرترین جنبه های تمدنی ایران دروه پس از مغول به شمار می آید در عهد سلسه تیموری

۱. همان، ص ۳۳۲.

۲. میرجعفری، تاریخ تیموریان و ترکمانان، صص ۱۲۹-۱۲۸.

ایران از جنبه های گوناگون به پیشرفت های چشمگیری دست یافت، گونه های متنوعی از قبیل ادبیات، تاریخ نگاری، هنر خوش نویسی، معماری از این دوره به جا مانده است. گرچه این تنوع متون در بیشتر موارد متأثر از دوره پیشین و عهد حاکمیت ایلخانان است. اما بی تردید در این روزگار هر یک در نوع خود به سطح بالایی از شکوفایی و انسجام دست یافته و نیز در پرتو حمایت های حاکمان تیمور، آثار بزرگی در زمینه های مختلف خلق گردید. در واقع در دوران حاکمیت تیموریان هنرهایی چون کتاب سازی، نقاشی، خطاطی، هنرهای تصویری، فلزکاری، سالفگری و نیز هنر معماری رونق یافت به طوریکه در دوران تیمور به ساختن بناها و مقبره ها توجه زیادی میشد و سمرقند پایتخت تیمور به شهری تبدیل شد که سرشار از آثار و باغ ها و مقبره ها و بناهایی که توسط هنرمندان ساخته شده بود.



منابع و مآخذ

- ابن عربشاه، *زندگانی شگفت انگیز تیمور (عجائب المقدور فی اخبار تیمور)*، ترجمه محمد علی نجاتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۹۷۷.
- اسماعیلی، امیر، *تیمور جهانگشا*، ج ۱، تهران، شقایق، ۱۳۶۳.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، *ممالک و مسالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، بی جا، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.
- اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری*، ج ۲، تهران، نامک، ۱۳۷۶.
- امامی، نصرالله، «فرهنگ و میراث فرهنگی، نگاهی به هنرهای اسلامی دوره تیموری»، *مشکوه*، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۷۵، صص ۱۶۷-۱۴۵.
- امیرخانی، غلامرضا، *تیموریان*، تهران، پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۳.
- اوین، اوژن، *مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت الله ولی کرمانی*، تهران، زبان و فرهنگ ایرانی (انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران)، ۱۳۶۱.
- آژند، یعقوب، *تاریخ تیموریان به روایت کمبریج*، ج ۵، ج ۵، تهران، جامی، ۱۳۷۸.
- برایوان، مارسل، *منم تیمور جهانگشا*، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران، انتشارات بهزاد، ۱۳۸۵.
- بلخی، محمد بن خاوندشاه، *روضه الصفا*، تهذیب و تلخیص دکتر عباس زریاب، تهران، انتشارات علمی، ج ۷۳، ج ۴-۵-۶.
- بوات، لوسین، *تاریخ مغول "تیموریان"*، ترجمه بهفرورزی، تهران، نشر آزاد مهر، ۱۳۸۳.
- بیانی، شیرین، *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (دانشگاهها سمت)، ۱۳۷۹.
- پرایس، کریستن، *تاریخ هنر اسلامی*، ترجمه مسعود رجب نیا، ج ۱، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.
- پناهی، محمد احمد، *تیمور لنگ (چهره هراس انگیز تاریخ)*، ج ۱، تهران، کتابفروشی حافظ، ۱۳۶۳.
- جعفریان، رسول، *از یورش مغول تا زوال ترکمانان از قرن ۷ تا ۹ هجری*، ج ۵، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶.
- حافظ ابرو، *زبده التواریخ*، تصحیح سید جوادی، ج ۲، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲.
- حبیبی، عبدالحی، *هنر عهد تیموریان و متفرعات آن*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- حتی، فیلیپ، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تبریز، کتابفروشی حقیقت، ۱۳۴۴.
- حسینی تربتی، ابوطالب، *تزوکات تیموری*، طهران، انتشارات کتابفروشی سعدی، ۱۳۴۲.
- خزاعلی، محمود، *تاریخ جهان اسلام از قرن ۷ تا ۱۰ هجری*، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۵۸.
- خواندمیر، غیاث الدین هماد الدین حسینی، *دستور الوزراء شامل احوال وزرای اسلام تا انقراض تیموریان ۹۱۴*، تصحیح سعید نفیسی، تهران، اقبال، ۱۳۵۵.

- _____: **تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر**، تصحیح محمد دبیر سیاقی، ج ۳، ج ۳، تهران، خیام، ۱۳۶۲.
- دانشدوست، یعقوب، «هنر معماری ایران در دوره تیموریان»، اثر، شماره ۱، بهار ۱۳۵۹، صص ۱۰۲-۹۱.
- دانی، احمد حسن، **میراث تیمور**، مترجم محمد مهدی توسلی، ج ۱، کتابخانه ملی پاکستان، ۱۳۷۸.
- دستوم، حسین، **تاریخ جهانگشایی تیمور**، تهران، نشر پونه، ۱۳۷۴.
- روملو، حسن، **احسن التواریخ**، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، ۱۳۵۷.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، **مطلع سعدین و مجمع بحرین**، اهتمام عبدالحسین نوایی، ج ۱، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۳.
- سیدی، مهدی، **تاریخ مشهد از آغاز تا مشروطه**، مشهد، جامی، ۱۳۷۸.
- صدیق، عیسی، **تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر**، ج ۵، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
- طاهری، ابوالقاسم، **تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس**، تهران، موسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۹.
- فوربزمنز، بناتریس، **برآمدن و فرمانروایی تیمور**، ترجمه منصور صفت گل، ج ۱، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- قانعی، سعید، **تیمور لنگ گورکانی**، ج ۱، تهران، انتشارات ساحل، ۱۳۸۷.
- کلاویخو، روی گونزاس، **سفرنامه کلاویخو**، ترجمه مسعود رجب نیا، ج ۳، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- گروسه، رنه، **امپراطوری صحرانوردان**، ترجمه عبدالحسین میکده، ج ۱، تهران، توس، ۱۳۵۳.
- لمب، هارولد، **تیمور لنگ**، ترجمه علی جواهر کلام، قم، نیلوفرانه، ۱۳۸۹.
- لیسترانج، گای، **جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، ج ۱، ج ۲، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- مارکوپولو، **سفرنامه مارکوپولو**، ترجمه حبیب الله صحیحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- مرتضوی، منوچهر، **مسائل عصر ایلخانان**، ج ۱، تبریز، موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۸.
- میر جعفری، حسین، **تاریخ تیموریان و ترکمانان**، ج ۵، تهران، انتشارات دانشگاه اصفهان (سازمان مطالعه و تدوین - سمت)، ۱۳۸۵.
- میرخواند، میر سید محمد بن سید برهان الدین خواند شاه، **تاریخ روضه الصفا**، ج ۵، تهران، کتابخانه خیام، ۱۳۳۹.
- نوایی، عبدالحسین، **اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (از تیمور تا شاه اسماعیل)**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۹۷۷.

- ویلبرد، دونالد و دیگران، *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت الله افسر، محمد یوسف کیانی، ج ۱ و ۲، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- یزدی، مولانا شرف الدین علی، *ظفرنامه (تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان)*، به تصحیح محمد عباسی، ج ۱، تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۶.

